

نگاهی به سیره‌ی تبلیغی امام جواد علیه السلام

محمد حاج اسماعیلی

امامت، هدایت حق جویان و آشکار ساختن سستی گفتار ستمگران یاری داد. آن حضرت به دو جهت در عرصه‌ی مناظره‌های علمی گام نهاد.

بارزترین نوع تبلیغ امام جواد علیه السلام مناظره است. مناظره‌های آن حضرت - که از نخستین روزهای امامتش آغاز شد - وی را در تثبیت جایگاه ولایت و امامت، هدایت حق جویان و آشکار ساختن سستی گفتار ستمگران یاری داد.

نخست نیاز شیعیان که با توجه به سن اندک آن حضرت در پی کشف جایگاه معنوی‌اش بودند و دوم خواست مأمون و معتصم که اندیشه‌ی خوار ساختن امام و اثبات الهی نبودن آگاهی‌های وی در سر می‌پروراندند. خلفا می‌کوشیدند با برپا ساختن

زندگانی سراسر افتخار پیامبر اسلام و ائمه‌ی هدی - صلوات الله علیهم اجمعین - از زوایای مختلف قابل بررسی است. روش تبلیغی معصومان علیهم السلام نیز مانند دیگر ابعاد زندگی‌شان اسوه و الگو به شمار می‌آید.

وقتی از این زاویه زندگی این بزرگان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم، خود را با وظیفه‌ی سنگین رو به رو می‌یابیم؛ زیرا این نورهای پاک لحظه‌ی از عمل به تکلیف و ابلاغ رسالت الهی غافل نبودند. در سیره‌ی تبلیغی امام جواد علیه السلام، موارد زیر مهم و در خور تأمل می‌نماید:

۱. تبلیغ از راه مناظره

بارزترین نوع تبلیغ امام جواد علیه السلام مناظره است. مناظره‌های آن حضرت - که از نخستین روزهای امامتش آغاز شد - وی را در تثبیت جایگاه ولایت و

مجالس مناظره امامان شیعه را رو در روی برخی از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شاید از پاسخ پرسشی باز مانند و جایگاه معنوی‌شان مورد تردید واقع شود.

اهداف امام علیه السلام در مناظره‌ها

الف) اثبات امامت خود

امام جواد علیه السلام در این مناظره‌ها پیش از هر چیز در پی اثبات حقیقت خود بود. بر اساس گفته‌ی مورخان امام - با آن که هفت سال بیش نداشت - در یکی از محافل به سی پرسش پاسخ داد.^(۱)

پرورش دانش پژوهان روشن بین نیز در شمار روش‌های تبلیغی امام نهم علیه السلام جای دارد. آن حضرت ضمن پاس‌داری از حوزه‌ی که امام صادق علیه السلام بنیان نهاده بود، دویست و هفتاد شاگرد تربیت کرد که گروهی از آنان نیز از شاگردان امام هشتم شمرده می‌شدند.

ب) رسوا ساختن دروغ پردازان امام علیه السلام در مناظره چنان رفتار می‌کرد که نادرستی فضائل ساختگی خلفا آشکار شود.

در یکی از مجلس‌ها مأمون از یحیی بن اکثم خواست پرسشی مطرح کند. یحیی عرض کرد: یابن رسول الله، بر اساس روایت‌ها جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا محمد، خداوند سلامت می‌رساند و می‌فرماید از ابوبکر بپرس آیا از ما خشنود است؟ زیرا من از وی راضی‌ام؛ در این باره چه می‌فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود: فضل ابوبکر را انکار نمی‌کنم، ولی آن که این خبر را روایت کرده باید به خبری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجة الوداع فرمود توجه کند. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود:

لَقَدْ كَثُرَتِ الْكُذَّابَةُ عَلَيَّ ...

دروغ‌گویان بر من بسیار شده‌اند و نسبت دروغ بر من فزونی یافته است. پس هر که بر من دروغ بندد، خداوند نشیمن‌گاهش را از آتش پر می‌سازد. چنانچه حدیثی برایتان آوردند، آن را به کتاب خدا و سنت من عرضه کنید؛ هر چه با آن موافق بود بپذیرید و آنچه

مخالف بود رها سازید، خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَتَعَلَّمْ مَا تَوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ (۲)

به تحقیق ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم آنچه نفس به او و سوسه می‌کند و ما از رگ گردن به وی نزدیک‌تریم.

روایتی که شما ذکر کردید، نشان می‌دهد خشنودی یا ناخشنودی ابوبکر بر حضرت حق پوشیده بود و این نزد عقل محال و ممتنع است. (۳)

۲. تبلیغ عملی علیه حکومت مأمون

مأمون امام علیه السلام را بسیار احترام می‌نهاد و دخترش ام الفضل را، به رغم مخالفت‌های گوناگون به عقد وی درآورد. این برخوردها هرگز امام را به دستگاه خلافت خوش‌بین نساخت. او خلیفه را ستمگر می‌شمرد و اندیشه‌ی مخالفت با آن را در سر می‌پروراند. بنابر این، در نخستین فرصت به بهانه‌ی حج سمت مدینه رهسپار شد و در آن دیار اقامت گزید. حسین مکاری می‌گوید: هنگامی که حضرت محمد تقی علیه السلام نزد

خلیفه جایگاهی والا داشت، وارد بغداد شدم و به دیدار وی شتافتم. چنان می‌اندیشیدم که حضرت دیگر به مدینه باز نخواهد گشت. چون این امر را به خاطر آوردم، امام علیه السلام سر فرو افکند. اندکی بعد سربلند کرد و در حالی که رنگ مبارکش زرد شده بود، فرمود: حسین، نان جو و نمک نیم‌کوب در حرم رسول صلی الله علیه و آله از آنچه مشاهده می‌کنی برایم بهتر است. (۴)

خلفا می‌کوشیدند با برپا ساختن مجالس مناظره امامان شیعه را رو در روی برخی از دانشمندان بنام زمان قرار دهند تا شاید از پاسخ پرسش‌های بساز مانند و جایگاه معنوی‌شان مورد تردید واقع شود.

۳. پدید آوردن حوزه‌ی علمی

پرورش دانش پژوهان روشن‌بین نیز در شمار روش‌های تبلیغی امام نهم علیه السلام جای دارد. آن حضرت ضمن پاس‌داری از حوزدیی که امام صادق علیه السلام بنیان نهاده بود، دویست و هفتاد شاگرد

تربیت کرد که گروهی از آنان نیز از شاگردان امام هشتم شمرده می‌شدند.^(۵)

۴. اعزام نماینده

امام نهم علیه السلام برای خنثا ساختن تبلیغات شوم بنی عباس و ارائه‌ی اسلام راستین به مردم، نمایندگان به مناطق مختلف گسیل می‌کرد. این نمایندگان، کارگزاران امام علیه السلام شمرده می‌شدند و در مراکزی چون اهواز، همدان، سیستان، بَست، ری، بصره، واسط، بغداد، کوفه و قم زمینه‌ی اتحاد شیعیان و پیوند آن‌ها با معصوم را فراهم می‌آوردند.

امام علیه السلام همچنین به پیروانش اجازه می‌داد درون دستگاه حکومت نفوذ کنند و پست‌های حساس را در دست گیرند. «محمد بن اسماعیل بن

بزیع» و «احمد بن حمزه قمی» از این فرصت بهره بردند و با رسیدن به موقعیت‌های ممتاز حکومتی در مسیر خدمت به دین و دین‌داران گام برداشتند.

«حسین بن عبدالله نیشابوری» حاکم «بست» و «سیستان» و «حکم بن علیا اسدی» حاکم «بحرین» نیز از یاران حضرت شمرده می‌شدند و خمس دارایی‌سی‌شان را نزد وی گسسیل می‌کردند.^(۶)

پی نوشتها:

- ۱- منتهی‌الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، ج ۲، ص ۵۷۷.
- ۲- ق/ ۱۶.
- ۳- سیره‌ی پیشوایان، مهدی پیشوایی، انتشارات توحید، ص ۵۵۲.
- ۴- منتهی‌الآمال، ص ۵۸۲.
- ۵- امام الجواد من المهدی الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، ص ۸۹.
- ۶- سیره‌ی پیشوایان، ص ۵۵۹.